



(مقاله پژوهشی)

ترسیم نقشه راه نجات و سعادت انسان‌ها در خطبه غراء امام علی (علیه‌السلام)

محمد عترت‌دوست^۱، فتحیه فتاحی‌زاده^۲، فاطمه کیانی^{۳*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

(از ص ۳۹ تا ۵۹)

چکیده

خطبه غراء از جمله خطبه‌های طولانی حضرت علی(ع) است که به دلیل فصاحت و بلاغت بسیار و برخورداری از مضامین عالی، در طول تاریخ مورد توجه بسیار شارحان و ادیبان قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین سؤالات در رابطه با این خطبه، کشف موضوع اصلی و غرض امام(ع) از بیان این مطالب است. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد هر کدام از شارحان، موضوعی خاص را برای این خطبه در نظر گرفته و با رویکردی خاص به شرح آن پرداخته‌اند، از جمله: توصیه به تقوا، بیان صفات خداوند، سرگذشت انسان، پرهیز از دنیاگرایی، توصیف قیامت، انذار از معاد و غیره. در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا و استخراج مقوله‌های مهم متن، ساختار هندسی خطبه غراء تبیین و در نهایت موضوع اصلی آن، کشف و شناسایی شود. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای مقوله‌های مهم خطبه نشان می‌دهد که حضرت علی(ع) در این خطبه به دنبال ترسیم نقشه راه نجات انسان‌ها بوده‌اند. به همین دلیل ابتدا به معرفی انسان و استعدادهای او پرداخته، سپس وضعیت حال (زندگی دنیوی) و آینده (زندگی اخروی) او را گزارش کرده و در این مسیر، انسان را از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو مطلع و در پایان راهکار اصلی نجات یعنی تقوا را معرفی و ثمرات آن را تبیین نموده‌اند. الگوی حاصل از تحلیل محتوای مقوله‌ای این خطبه می‌تواند ترسیم‌کننده راه نجات و سعادت انسان‌ها باشد.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، خطبه غراء، تحلیل محتوا، نقشه راه نجات انسان، تقوا.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

* نویسنده مسئول

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده سوم مقاله است.

۱. مقدمه

سخنان امام علی(ع) سرشار از مضامین والای تربیتی، اعتقادی و اخلاقی است. از میان سخنان ایشان، خطبه غراء در جایگاه بالایی از فصاحت و بلاغت قرار دارد، چراکه این خطبه شامل مفاهیم عمیق و مضامین عرفانی در راستای هدایت انسان برای کسب رضایت الهی است و با تصویرپردازی‌های بسیار تلاش دارد تا این مضامین را به مخاطب بفهماند. در این خطبه نکات ادبی و ظرایف بلیغ بسیاری بیان گردیده است، به گونه‌ای که ابن ابی الحدید آن را از معجزات کلامی حضرت علی(ع) دانسته که فصیحان و بلیغان از دستیابی به آن ناتوان هستند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۲۶۳/۶؛ حسینی، ۱۴۰۹: ۱۰۳/۲) و به دلیل همین بلاغت و تعجب‌انگیزی الفاظ و بلندی معانی و مفاهیم، «غراء» نامیده شده است (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۴۹۶/۲).

ابن ابی الحدید در تعریف و تمجید از این خطبه، قلم‌فرسایی بسیاری کرده و ضمن تعریف از محسنات این خطبه، در پایان شرح آن می‌گوید: «واعلم اننا لا یتخالجنا الشک فی انه علیه السلام افصح من کل ناطق بلغة العرب من الاولین و الآخیرین الا من کلام الله سبحانه و کلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»؛ ما به خود هیچ‌گونه شکّی راه نمی‌دهیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فصیح‌ترین همه گویندگان به لغت عرب است از اول تا آخر غیر از کلام خدا و رسول او صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۲۷۸/۶).

ابونعیم اصفهانی در کتاب *حلیة الاولیا و طبقات الاصفیاء* خود ضمن نقل بخش‌هایی از متن خطبه، سبب صدور آن را تشییع جنازه مسلمانی دانسته که خانواده‌اش هنگام تدفین، شروع به ناله و شیون کرده‌اند. در این شرایط امام علی(ع) با بیان جملاتی نغز، برای بیدار کردن دل‌های حاضران در مراسم به پا ایستاده و چنین خطابه‌ی شگفت‌آوری را ایراد فرموده‌اند: «أَنْ عَلِيًّا، شَيَّعَ جَنَازَةً، فَلَمَّا وُضِعَتْ فِي حُدُودِهَا عَجَّ أَهْلُهَا وَبَكَوْا، فَقَالَ: مَا تُبْكُونَ؟ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ عَايَنُوا مَا عَايَنَ مَيِّتُهُمْ لَأَذْهَلَتْهُمْ مُعَايِنَتُهُمْ عَنْ مَيِّتِهِمْ، وَإِنَّ لَهُ فِيهِمْ لَعُودَةً ثُمَّ عُودَةً، حَتَّى لَا يُبْقِي مِنْهُمْ أَحَدًا " . ثُمَّ قَامَ فَقَالَ...»؛ آن هنگام که جنازه مسلمانی را تشییع کردند و او را در قبر گذاشتند، بازماندگانش صدا به ناله و شیون بلند کرده و گریستند، امام(ع) فرمود: به خدا سوگند! اگر این‌ها آنچه را میت‌شان مشاهده می‌کند، ببینند، گریه بر او را فراموش خواهند کرد (و بر خود خواهند گریست!)، به خدا سوگند! مرگ به سراغ یک‌یک از آن‌ها می‌آید و کسی را باقی نمی‌گذارد (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱/۷۷-۷۸).

سید رضی نیز در پایان این خطبه در نهج‌البلاغه می‌نویسد: «در خبر است که چون امیرالمؤمنین علیه‌السلام این خطبه را خواند، تن‌ها از شنیدن آن لرزید، و دیده‌ها باران اشک بارید، و دل‌ها از بیم بتپید، و بعض مردم آن را خطبه غراء نامیده‌اند» (سید رضی، ۱۴۱۲: ۷۶).

مکارم شیرازی در شرح نهج‌البلاغه خویش در مورد این خطبه بیان می‌کند: «این خطبه از لحاظ فصاحت و بلاغت بی‌مانند است؛ و اگر در نهج‌البلاغه جز این خطبه نبود، برای پی‌بردن به مقام و عظمت امام علی(ع) و گرفتن بهترین پندها و اندرزها و عالی‌ترین درس اخلاق و خودسازی کافی بود. امام(ع) در

این خطبه با مهارت عجیبی به سراغ تمام اموری رفته که بیدارکننده و غفلت‌زاست و این هدف بزرگ را از ابعاد مختلف دنبال نموده است، خطبه‌ای است که انسان هرگز از خواندن آن سیر نمی‌شود و با گذشت زمان، کهنه نخواهد شد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۴۵۹/۳).

۱-۱. بیان مسأله

به‌رغم نگارش شروح متعدد بر خطبه‌غراء، باین‌حال یکی از سؤالات و ابهامات جدی در رابطه با این خطبه، کشف موضوع اصلی آن می‌باشد. می‌دانیم که هر کدام از خطبه‌های امیرالمؤمنین(ع) دارای یک موضوع مشخص بوده و سپس حضرت(ع) برای تبیین آن، مسائل مرتبطی را مطرح کرده‌اند، اما در رابطه با خطبه‌غراء شاهد آن هستیم که هر کدام از شارحان نهج‌البلاغه از منظر خود موضوعی برای آن تعیین کرده و براساس آن پیش‌فرض، به شرح آن پرداخته‌اند.

به‌عنوان مثال علامه محمدتقی جعفری معتقد است امیرالمؤمنین(ع) در این خطبه درباره انسان، از جهات متعدد و با نظر به موجودیت او که دارای استعدادها و قوای متنوع، مطالبی را بیان فرموده است (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۰۷۶/۱۳). علامه مجلسی موضوع اصلی این خطبه را توصیه به تقوا دانسته (مجلسی، ۱۴۰۸: ۲۲۳/۱) و موسوی و مکارم شیرازی موضوع خطبه را شناخت صفات خداوند و برحذر داشتن انسان از دنیا و دعوت به قیامت ذکر کرده‌اند (موسوی، ۱۴۱۸: ۱/۴۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۲۹/۳).

گزارش‌های فوق نشان می‌دهد که اختلاف‌نظر جدی در رابطه با موضوع اصلی خطبه وجود داشته و این مسئله، ضرورت بازخوانی مجدد محتوای خطبه با استفاده از روش‌های تحقیق متن محور را بیان می‌کند. از این‌رو برای تحلیل و بررسی عمیق و دقیق مضامین خطبه، بهره‌گیری از روش‌های نوین تحقیق، ضروری می‌نماید. یکی از این روش‌ها، روش تحلیل محتوا است که از کارآمدترین روش‌های فهم متن به‌شمار می‌آید. این روش، یکی از روش‌های مناسب متن پژوهی است که تلاش دارد اندیشه‌های اصلی مؤلف متن را از طریق تقطیع متن براساس موضوعات اصلی و فرعی، سپس سنجش فراوانی موضوعات و کشف مقوله‌های متن، شناسایی نماید. این روش از جمله روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری جدید، به تحلیل نصوص دینی بپردازد (عترت‌دوست، ۱۳۹۸: ۵۴).

به‌منظور انجام این پژوهش که به دنبال شناسایی غرض اصلی متن و موضوع کلی آن است، از تکنیک «تحلیل محتوای مقوله‌ای» استفاده شده بدین‌صورت که پس از شناسایی و احصاء موضوعات اصلی و فرعی متن، مقوله‌های کلی آن به‌صورت کیفی تحلیل شده و در نهایت ساختار هندسی متن ترسیم گشته است.

تحلیل محتوای مقوله‌ای روشی از تحلیل داده است که مقوله‌ها را با انتخاب گفته‌هایی از یک متن شناسایی می‌کند، سپس این مقوله‌ها، طبقه‌بندی و گروه‌بندی می‌شوند. در این روش پژوهشگران یک مقوله را در فرایند تحلیل داده با گروه‌بندی کدهای مرتبط یا اجزای یک مفهوم خاص ایجاد می‌کنند (Murray, 2009: 51). این تکنیک اگرچه خیلی به تحلیل محتوای سنتی و تحلیل محتوای مضمونی شباهت دارد، ولیکن باید گفت در این تکنیک، موضوعات اصلی متن بر اساس درون‌مایه هر مقوله گروه

بندی می‌شوند و آنچه موضوعات متن را در یک راستا قرار می‌دهد، مقوله‌های متن هستند (Holloway & Freshwater, 2007: 86).

تمرکز اصلی تحلیل محتوای مقوله‌ای بر تفسیر راوی از آنچه روی داده، و اینکه چرا اتفاق افتاده و چه کسانی را شامل می‌شود، است. عناصری که از طریق تحلیل محتوای مقوله‌ای به دست می‌آید، بازنمونی از سطح اول تحلیل یا تحلیل مضمون اولیه است (Zaplatsinska, 2015: 77).

لذا در تحلیل محتوای مقوله‌ای پس از بررسی و سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی با نگاهی کلی به متن می‌توان ساختار حاکم بر متن را ترسیم کرد (ر.ک: عترت دوست و صفره، ۱۳۹۸: ۵۵-۹۸). بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش آن است که هدف حضرت علی(ع) از بیان خطبه غراء چه بوده؟ موضوع اصلی این کلام نورانی و فصیح چیست؟ و مهم‌ترین مقوله‌های مطرح در خطبه غراء بر اساس روش تحلیل محتوا، کدام است؟.

به‌منظور دستیابی به پاسخ این سؤالات، ابتدا لازم است پیشینه تحقیق بررسی شده و در ادامه مراحل اجرای روش تبیین شود.

۱-۲. پیشینه پژوهش

مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با خطبه غراء نشان می‌دهد که این خطبه از جنبه‌ها و ابعاد خاصی موردتوجه قرار گرفته و هر کدام از محققان، تنها به یک بُعد آن توجه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه طاهره سیدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی ادبی نهج‌البلاغه در خطبه غراء»، ابتدا کلمات خطبه را از فرهنگ‌های مختلف استخراج و سپس به ارائه ترجمه دقیق عبارات و نشانه‌هایی از وجود بینامتنیت و نمودهای لفظی و معنایی آن با آیات قرآن کریم پرداخته است (ر.ک: سیدی، ۱۳۹۰ش). عباد محمدیان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «سبک‌شناسی گفتمانی در خطبه‌های اخلاقی - معنوی مشهور نهج‌البلاغه امام علی(ع)»، مؤلفه‌ی سبک‌شناسی در خطبه‌های مشهور جهاد، غراء و اشباح را مورد تحلیل معناشناسانه قرار داده و سه سطح آوایی، نحوی و کنش‌گفتاری، در فرازهای انتخاب شده از این سه خطبه را مورد بررسی قرار داده است (ر.ک: محمدیان، ۱۳۹۳ش). مرتضی طلاکوب در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «شیوه‌های هدایتی و تربیتی علوی براساس خطبه ۸۳ نهج‌البلاغه در بعد مسائل اعتقادی، اخلاقی، علمی» با روش اسنادی تحلیلی و با هدف دست‌یابی به روش‌های رسیدن به هدایت و تربیت از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) به بررسی خطبه‌های مختلف از جمله خطبه غراء پرداخته و صرفاً نکات تربیتی آن را استخراج کرده است (ر.ک: طلاکوب، ۱۳۹۴ش).

هومن ناظمیان، علی پیرانی شال و اکبر رضانی نیز در مقاله خویش تحت عنوان «تحلیل آرایه‌های بدیع در خطبه غراء از منظر سبک‌شناسی آماری» صرفاً با رویکرد توصیفی و تحلیلی نشان داده‌اند که از میان آرایه‌های لفظی، سجع متوازی و موازنه به شکل مساوی بیشترین کاربرد را در این خطبه دارد (ر.ک: ناظمیان، پیرانی شال و رضانی، ۱۳۹۶ش: ۵۱-۷۲). فاضل سحر ناجی در مقاله خویش تحت عنوان «الخطبة الغراء (العجیبه) للامام علی بن ابی طالب(ع) دراسة دلایه» به اهمیت واژه‌های توصیفی آفرینش

انسان در توصیف غنی و مفصل حضرت علی(ع) و تأثیر کلمات وارد شده در خطبه غراء که مبین اوصاف انسان از ابتدای تکوین نطفه، علقه، مضغه و... است، پرداخته و برای درک ماهیت متن خطبه و اسرار آن از روش تحلیل توصیفی استفاده کرده است (ر.ک: سحر ناچی، ۲۰۱۹م).

در نهایت بررسی پژوهش‌های انجام شده پیرامون خطبه غراء نشان می‌دهد که بیشتر از لحاظ ادبی به بررسی آن پرداخته شده و تاکنون کسی به تحلیل محتوای آن و کشف غرض اصلی خطبه نپرداخته است. به همین جهت در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا به‌مثابه روشی مناسب جهت تحلیل متن، به تبیین مقوله‌های مهم متن و ترسیم ساختار هندسی خطبه پرداخته شده و تلاش گردیده تا موضوع اصلی خطبه و غرض اصلی امام علی(ع) از بیان این کلمات نورانی تعیین شود.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

توجه به موقعیت و فضای صدور این خطابه و شرایط مخاطبان امام علی(ع) در آن برهه تاریخی، حکایت از اهمیت و ضرورت چنین خطابه بلیغی دارد. به اذعان سید رضی پس از بیان این سخنرانی جان‌ها به لرزه درآمده و چشم‌ها گریان شده است (سید رضی، ۱۴۱۲ق: ۷۶). چنین واکنشی از سوی مستمعین حاضر در مراسم، ضرورت بررسی عمیق محتوای این خطابه شگفت‌آور را دوچندان می‌کند. همچنین این مطلب بیانگر آثار تربیتی عمیق این خطبه بر مردم و جامعه است که ضرورت فهم غرض اصلی امام(ع) از بیان خطبه غراء و کشف ساختار هندسی آن را ضروری می‌نماید.

۲. بحث

از آنجاکه در پژوهش‌های متعدد به اعتبارسنجی سندی و تحلیل وجوه بلاغی خطبه غراء به تفصیل پرداخته شده است، در این پژوهش صرفاً به تحلیل محتوای خطبه پرداخته شده و از ورود به موضوعات دیگر اجتناب شده است. در تحلیل محتوای خطبه غراء به بررسی متن خطبه به‌صورت کلی پرداخته شده و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای مقوله‌ای بر اساس واحد جملات، به‌صورت کمی و کیفی و بر مبنای کلمات کلیدی و کلیدواژگان اصلی و فرعی انتخاب شده، مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت‌گیری‌های خطبه استخراج شده و در جدول تحلیل محتوا تنظیم گردیده است. بر این اساس عبارات این خطبه در ۷۴ موضوع اصلی و ۲۴۸ موضوع فرعی تقطیع شدند.

لازم به ذکر است که برای تقطیع متن به جملات متعدد جهت استخراج مضامین، چندین ملاک مختلف وجود دارد، مانند:

الف) «ساختار ادبی»؛ تقطیع متن با توجه به تشکیل جمله از ساختار مُسند و مُسندألیه در جملات اسمیه یا فعل و فاعل و مفعول در جملات فعلیه.

ب) «ساختار بلاغی»؛ تقطیع متن با توجه به اینکه گوینده کلام یا مؤلف متن، خودش جمله را در کجا به اتمام رسانده و تقطیع کرده است.

ج) «ساختار محتوایی»؛ تقطیع متن با توجه به اینکه هر جمله، دارای یک مضمون یا پیام خاص بوده که به‌رغم ارتباط با دیگر جملات متن، می‌تواند به‌طور مستقل بیان شود.

انجام پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که در هر تحقیق، با توجه به نوع متن و محتوای خاص آن، یکی از این ملاک‌ها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال در تحلیل محتوای آیات قرآن کریم و یا اشعار، از آنجا که مؤلف و تولیدکننده متن آنها را در قالب مشخص و منظمی تقطیع کرده، لذا بر اساس همان ساختار می‌بایست متن را در جداول مخصوص جای‌گذاری کرد. اما در دیگر متون پیوسته و طولانی، به‌ویژه در نصوص دینی به نظر می‌رسد که ملاک سوم یعنی توجه به ساختار محتوایی و مبنا قرار دادن مضامین متن، ملاک مناسب‌تری جهت بومی‌سازی روش تحلیل محتوا برای فهم نصوص دینی باشد. در این مقاله نیز از ملاک «ساختار محتوایی» برای تقطیع متن استفاده شده و موضوعات اصلی و فرعی متن شناسایی شدند.

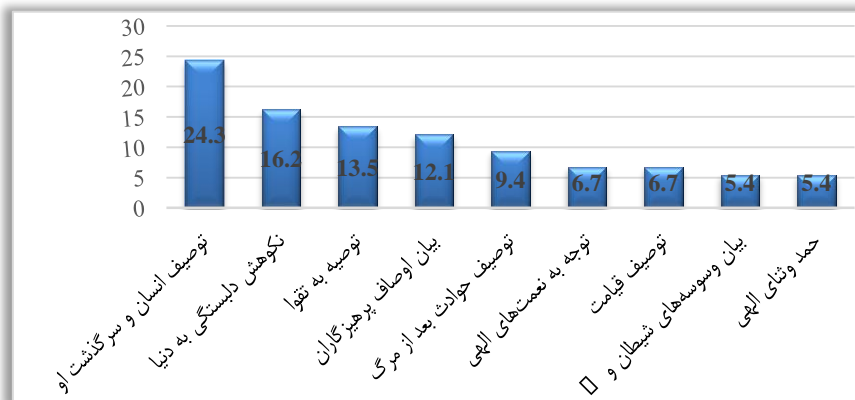
همچنین لازم به ذکر است که جهت تأیید «پایایی»^۱ و اثبات «روایی»^۲ تحلیل‌های صورت گرفته، دو اقدام دیگر نیز صورت گرفته است:

۱) ابتدا محقق تلاش نمود تا در یک فاصله زمانی متأخر، مجدداً کل متن خطبه را تحلیل و کدگذاری نموده و نتایج دو جدول را با همدیگر مقایسه نماید. همپوشانی نسبتاً بالای نتایج کدگذاری نشان‌دهنده تأیید «پایایی» تحقیق صورت گرفته است.

۲) در اقدام دوم از دو نفر همکار و استاد متخصص در حوزه روش تحلیل محتوا و آشنا به نصوص دینی خواسته شد تا متن مذکور را تحلیل نمایند. همپوشانی بالای نتایج این بخش نیز مسئله «روایی» تحقیق را تأیید و اثبات می‌نماید.

در نهایت مجموعه‌ای از موضوعات، به‌عنوان موضوعات اصلی خطبه غراء استخراج شد که اگرچه به دلیل تنوع آنها، در نگاه اول خواننده احساس پراکندگی و بی‌نظمی می‌کند، ولیکن پس از تحلیل کیفی مشخص می‌شود که این موضوعات دارای یک ارتباط پنهانی با همدیگر بوده و بر چند مقوله اصلی تأکید دارند. نمودار سنجش فراوانی موضوعات اصلی مطرح شده در خطبه غراء بدین شرح است:

1. Validity
2. Reliability



نمودار ۱: سنجش فراوانی موضوعات اصلی خطبه غراء

نمودار فوق به خوبی گویای آن است که موضوعات مختلفی در خطبه غراء مورد توجه امام علی(ع) واقع شده است و آن حضرت به طرح مسائل مختلفی در کلام خود پرداخته‌اند، اما توجه به نتایج آماری و تحلیل‌های کمی که راه ورود به تحلیل‌های کیفی هستند، نشان می‌دهند که از میان موضوعات مذکور، موضوع سرگذشت انسان و پرهیز از دنیازدگی و توصیه او به تقوا از درصد فراوانی بیشتری نسبت به موضوعات دیگر برخوردار بوده و کلید حل ارتباط میان این موضوعات پراکنده، توجه به مسئله سرگذشت انسان و سرانجام اوست.

در ادامه مقاله برای دستیابی به پاسخ سؤالات اصلی تحقیق که شناسایی موضوع اصلی خطبه و هدف امام علی(ع) از بیان موضوعات پراکنده در آن بوده است، به تحلیل مقوله‌های مهم مطرح شده در خطبه پرداخته و تلاش می‌کنیم تا رابطه معنادار این مقوله‌ها با همدیگر را تبیین نماییم. به اعتقاد مؤلفین، هدف اصلی امام علی(ع) از بیان این خطبه، ترسیم یک نقشه راه کامل برای سعادت انسان‌ها بوده است بدین صورت که ابتدا به معرفی دقیق انسان و استعدادها و قابلیت‌های بالقوه انسانی پرداخته و پس از توصیف وضعیت کنونی انسان در دنیا و سرانجامش در آخرت، انسان‌ها را متوجه فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو برای عبور از مسیر دنیا به آخرت کرده و در نهایت مهم‌ترین ابزار نجات و راهکار نیل به سعادت که همانا تقوا می‌باشد، را به صورت جزئی و همراه با مراحل چگونگی کسب آن، برای انسان‌ها تشریح نموده‌اند.

تحلیل کیفی آنچه گفته شد، بدین شرح است:

۱-۲. معرفی انسان و استعدادهايش

همان گونه که سنجش فراوانی موضوعات اصلی خطبه غراء نشان می‌دهد، موضوع توصیف انسان از بالاترین فراوانی در میان دیگر موضوعات اصلی خطبه برخوردار است. این موضوع، یکی از پرتکرارترین موضوعات مطرح شده در این خطبه است و نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین اهداف امام علی(ع) از

بیان این خطبه، معرفی انسان و استعدادهای او بوده است که گام اول مسیر یعنی کسب معرفت را نشان می‌دهد.

آن حضرت با عبارت «عِبَادُ مَخْلُوقُونَ اِقْتِدَاراً وَ مَرْبُوبُونَ اِقْتِسَاراً...» شروع به معرفی انسان و استعدادهای او کرده و به موضوعات جزئی و فرعی دیگری مانند: جبری بودن آفرینش و مرگ انسان، مراحل رشد جسمانی روحانی انسان، نعمتهایی که خداوند متعال به انسان‌ها عطا کرده و سرگذشت او در دنیا و آخرت می‌پردازند. موضوعات فرعی مطرح‌شده ذیل این موضوع اصلی، دارای تنوع بسیاری است که هر کدام در جایگاه خود قابل طرح و بررسی تفصیلی هستند اما همان‌گونه که گفته شد، در این مقاله صرفاً به دنبال تبیین ساختار هندسی خطبه و کشف غرض اصلی امام علی(ع) از بیان چنین کلمات نورانی و گهرباری می‌باشیم، لذا به همین دلیل از ورود به جزئیات پرهیز خواهیم کرد.

در میان تمامی موضوعات فرعی مطرح‌شده ذیل موضوع کلی توصیف انسان، تشریح دقیق استعدادها و قابلیت‌هایی که خداوند متعال به او عطا کرده از جمله مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مباحث است که در ادامه بخشی از موضوعات فرعی استخراج‌شده در این زمینه در جدولی به نمایش گذاشته شده؛ که می‌توان آن را در شش مفهوم کلی دسته‌بندی نمود. لازم به ذکر است که کدهای شناسه ذکر شده در مقابل عبارات، به جدول تحلیل محتوای اصلی خطبه بازگشت دارند (جهت ملاحظه جدول اصلی ر.ک: کیانی، ۱۳۹۹: ۳۴-۶۲).

جدول ۱: مقوله‌ها و مضامین فرعی موضوع توصیف انسان در خطبه غراء

مقوله	مضامین	کد شناسه	فراوانی
مرگ انسان	آفرینش و مرگ انسان‌ها از طرف خداوند و از روی جبر است و افراد در آن نقشی ندارند	A62	۱۱
	از بین رفتن و پوسیده شدن جسم در قبر	A63	
	بیان چگونگی آغاز رستاخیز انسان	A64	
	انسان پاداش نیک یا بد خود را دریافت می‌کند	A65	
	ترسیم پایان عمر انسان غافل و مغرور و سرکش	A199	
	اشاره به درد و رنج‌های انسان محتضر	A200	
	بیان حال نزدیکان محتضر	A201	
	توصیف حالت جان دادن و سكرات مرگ	A202	
	بیان سختی جان دادن انسان	A203	
	لحظه مرگ انسان از همه چیز مأیوس می‌شود	A205	
انسان با آن همه غرور و سرکشی، هنگام مرگ رام و تسلیم است	A206	۱۱	
خداوند به انسان‌ها در دنیا فرصت بسیار داده تا راه نجات را دریابند	A66		
خداوند راه روشن‌رهایی را به بندگانش نشان داده است	A67		
بیان اتمام حجت خداوند به بندگان و برداشتن پرده‌های ظلمت و تاریکی	A69		
اشاره به نعمت عمر	A96		
پنهان بودن پایان عمر انسان از نعمت‌های خداوند است	A97		

	A163	جهنم نیز به عنوان کیفر و عقاب کفایت می‌کند که انسان از خداوند بترسد	
	A164	برای بستن راه‌های بهانه‌جویی کافران، قرآن به تنهایی کفایت می‌کند	
	A184	اشاره به سه منبع مهم شناخت، یعنی عقل و زبان و چشم که انسان به وسیله آن‌ها می‌تواند به سعادت برسد	
	A222	تأکید بر نشان دادن راه راست به انسان	
	A223	نعمت حیات انسان در دنیا برای جمع‌آوری توشه و تقرب است	
	A227	اشاره به نعمت‌های الهی	
۱۱	A102	غفلت از مرگ و ذخیره نکردن توشه آخرت	غفلت انسان
	A103	عبرت نگرفتن انسان‌ها از سرگذشت پیشینیان	
	A187	توجه به وجوب و استمرار شکرگذاری	
	A188	اشاره به جهل و کم‌خردی انسان نسبت به اطاعت خدا	
	A189	انسان وقتی خود را توانمند بیند دچار غرور می‌شود	
	A196	اشاره به غفلت و خطاهای انسان و ذخیره نکردن توشه آخرت	
	A198	انسانی که اسیر دنیا شود دچار فریب شده است	
	A221	اشاره به غفلت انسان‌ها و قدم نگذاشتن در راه سعادت و غرق در لذت‌های دنیایی شدن	
	A225	انسان‌ها به سبب سرگرمی به لذات دنیوی، اوامر و دستورات خدا را نادیده می‌گیرند	
	A226	در پی لهو و لعب رفتن گناهکاران از روی عدم آگاهی نبوده است	
A228	توصیه به پرهیز از عذاب آتش		
۱۰	A68	خداوند به انسان‌ها فرصت کافی جهت توبه و به دست آوردن رضایت خود داده است	حیات دنیوی انسان
	A70	دنیا محل آمادگی و آزمایش برای یافتن نور معرفت الهی	
	A71	دنیا محل مسابقه است	
	A72	خداوند به انسان توانایی راهیابی به مسیر حق و حقیقت را عطا کرده است	
	A181	اشاره به مراحل رشد جنینی انسان	
	A183	اشاره به سیر تکاملی خلقت انسان و دگرگونی‌هایی که در طول زندگی پیدا می‌کند	
	A186	اشاره به کامل شدن مراحل رشد جسمی انسان	
	A197	زندگی دنیا و لذت‌های گذرایش جهت آزمایش انسان است	
	A224	بهره‌برداری از دنیا باید همراه با یادآوری نعمات الهی و شاکر خدا بودن باشد	
A229	علت وعده‌های نیک به انسان، پیشه کردن تقوا است		
۱۰	A74	تأکید بر تفکر و اندیشیدن در موعظه‌های نافذ و مثل‌های روشنگر	عبرت‌پذیری انسان
	A75	تأکید بر عبرت گرفتن از مثال‌های پندآموز که موجب نجات انسان می‌شود	
	A76	انسان دارای عزم و اراده از اندرزها و مواعظ عالیه بهره می‌گیرد	
	A77	اندیشه‌های مصمم و با تدبیر عواقب کار را به‌خوبی می‌بینند	
	A99	عبرت از سرنوشت گذشتگان به‌وسیله آثار برجای‌مانده از آنها	

	A104	نعمت الهی به انسان و نیروی جوانی برای کسب توشه و عبرت‌گیری است
	A182	عبرت از چگونگی حال انسان از آغاز عمر که ضعیف و ناتوان بوده است
	A185	انسان باید به‌وسیله عقل و زبان و چشم از کارهای ناروا بپرهیزد و از آن‌ها عبرت بگیرد
	A190	غرور باعث سقوط و سرباز زدن از راه حق می‌شود
	A204	اشاره به سرنوشت بعد از مرگ انسان و عبرت‌پذیری از آن
۴	A73	دنيا دار قرار و آرامش نیست و انسان همواره در آن ناآرام است
	A98	تأکید بر غنیمت شمردن فرصت‌ها
	A100	دنيا دار قرار و کامیابی نیست
	A101	انسان‌های دل‌بسته به دنیا به آرزوهایشان نمی‌رسند
		فانی بودن دنیا

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امام علی(ع) در این خطبه تلاش دارند تا انسان‌ها را بیش‌ازپیش با استعدادها و قابلیت‌ها و نعمت‌هایی که خداوند متعال به او عطا کرده آشنا نمایند. به همین دلیل به توصیف انسان و چگونگی مراحل خلقتش از دوران نطفه و جنینی پرداخته و در نهایت مسیر او را تا زمان مرگ و حتی پوسیده شدن جسم و باقی ماندن روح در جهان آخرت بیان می‌کنند. آن حضرت(ع) به نعمت‌هایی مثل عقل، چشم، زبان، روح و فطرت اشاره کرده و یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انسان با دیگر موجودات عالم خلقت را همین بهره‌مندی از عقل و روح و فطرت می‌دانند که زمینه رشد و تکامل انسان را فراهم می‌آورد.

۲-۲. توصیف دنیا

دومین گام امام علی(ع) برای معرفت بخشی به انسان‌ها نسبت به مسیری که در پیش دارند، توصیف وضعیت کنونی آنها در دنیا و تبیین ماهیت دنیا است. به همین دلیل یکی دیگر از موضوعاتی که در سراسر خطبه گراء پراکنده شده، موضوع توصیف دنیا و نکوهش دل‌بستگی به آن است. امام علی(ع) در خطبه گراء ضمن توصیف دقیق دنیا و محدودیت‌ها و رنج‌ها و مصیبت‌های آن، انسان‌ها را نسبت به دل بستن به چنین دنیای فانی و ناپایداری نکوهش کرده و وابستگی و علاقه پیدا کردن به آن را بزرگ‌ترین مانع رشد و کمال و پرواز انسان معرفی نموده‌اند. به‌عنوان مثال آن حضرت با بیان جمله «أَنْتُمْ مُخْتَبِرُونَ فِيهَا وَ مُخَاسِبُونَ عَلَيْهَا» به این نکته اشاره می‌کنند که دنیا محلی برای آزمایش انسان است و در ادامه با عبارات متعددی، نسبت به فانی بودن دنیا و عدم دل‌بستگی به آن هشدار می‌دهند و به خطر دنیاپرستی می‌پردازند. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر آن حضرت(ع) با جمله «فَإِنَّ الدُّنْيَا رِيقٌ مَشْرُوبٌ رِيقٌ مَشْرُوعٌ يُونِقُ مِنْظَرُهَا وَ يُوقُ مَخْرَبُهَا...» برای بیان ناپایداری و بی‌ثباتی دنیا به تشبیه و تصویرپردازی روی آورده و دنیا را به آب‌شخور گل‌آلودی تشبیه می‌کنند که حیوانات بر سر آن دعوا دارند و سپس می‌فرمایند که لذت‌های دنیایی با ناخوشی همراه است و ظاهر و باطن آن متفاوت می‌باشد. آن حضرت(ع) دنیا را سایه‌ای ناپایدار و تکیه‌گاهی ناستوار دانسته و همچون اسب چموشی که سوار خود را بر زمین می‌زند و صیادی که یکی یکی تیرهای خود را به‌سوی انسان پرتاب می‌کند، برمی‌شمارند.

ماهیت و خاصیت حیات انسان در این دنیا، در هم تنیده با مفهوم فناپذیری است و امام نیز به تفصیل به این حقیقت توجه می‌کند و از زوایای مختلف آن را می‌کاود. دلیل توجه امیرالمؤمنین(ع) به مسئله فناپذیری دنیا و تأکید بر آن این است که؛ دنیا امری است محسوس و ملموس که پاسخ نیازها و گرایز انسان در آن پیش‌بینی شده است. اولین تأثیر این دنیای دلپذیر، جذب شدن روح انسان به پدیده‌های آن است. در پی دل بستگی، آدمی چنان فریفته دنیا می‌شود که حاصل آن کور شدن چشم ادراک و کرشیدن گوش جان است. این فریفتگی آدمی را تسلیم دنیا می‌کند و آتش آز و طمع را در جان او بر می‌افروزد و زمینه بروز طغیان و دست‌یازیدن به ظلم و گرفتار شدن در کفر را فراهم می‌سازد و سند هلاکت آدمی امضا می‌شود (انصاری، ۱۳۹۴: ۵۶).

موضوع اصلی دنیا نیز دارای موضوعات فرعی متعددی است و می‌توان آنها را در چهار مفهوم کلی دسته‌بندی نمود که در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۲: مقوله‌ها و مضامین فرعی موضوع توصیف دنیا در خطبه غراء

مقوله	مضامین	کد شناسه	فراوانی
فانی بودن دنیا	احاطه خداوند بر انسان‌ها با علم بر تعدادشان و تعیین زمان مرگ تک‌تک انسان‌ها	A28	۲۴
	قرار دادن انسان در دنیا برای آزمایش و ابتلا	A29	
	تأکید بر عبرت‌پذیری از سرنوشت گذشتگان و محاسبه تک‌تک اعمال افراد	A31	
	بیان ناپایداری و بی‌ثباتی دنیا	A32	
	نکوهش حب دنیا و دل بستن به آن	A33	
	زودگذر بودن دنیا	A35	
	عاقبت همه انسان‌ها مرگ است	A42	
	قبر جایگاهی تنگ و پر بیم	A43	
	انسان هنگام مرگ پاداش اعمال خود را می‌بیند	A44	
	قرار گرفتن انسان پس از مرگ در بهشت یا جهنم برزخی	A45	
	مرگ سرانجام همه‌ی انسان‌ها	A46	
	بیان ناپایداری و بی‌ثباتی دنیا	A48	
	زندگی دنیا و همه مواهب و نعمت‌های آن زوال پذیرند	A105	
	یکی از دلایل بی‌ارزشی دنیا ناپایداری و گذرا بودن نعمت‌های آن است	A107	
	توجه به زوال‌پذیری دنیا انسان را از غفلت بازمی‌دارد	A108	
	اشاره به ناپایداری و فنای دنیا	A109	
	اشاره به حتمی بودن مرگ و ناتوانی انسان و دارایی‌هایش در مقابله با آن	A110	
	اشاره به سختی‌های زمان مرگ	A111	
	نالها و فریادها تنها می‌تواند گوشه‌ای از درد فراق را برای بازماندگان تخفیف دهد و گرنه کمترین سودی به حال میت ندارد	A112	
	اشاره به نعمت عمر	A218	

	A219	مطالعه سرگذشت پیشینیان و عبرت‌پذیری از احوال آنها	
	A220	اشاره به ناپایداری خوشی‌های دنیا	
	A235	عاقبت همه انسان‌ها مرگ است و هیچ‌کس از مرگ در امان نیست	
	A239	جایگاه نهایی انسان قبر است و قبر به‌عنوان تنها بهره انسان از دنیا است	
۱۹	A30	انسان‌ها در دنیا همواره مورد آزمایش قرار می‌گیرند	فریبندگی دنیا
	A34	فریبنده بودن دنیا و دوگانگی در ظاهر و باطن آن	
	A36	دل‌بستگی به دنیا سبب هلاکت انسان می‌شود	
	A37	استفاده از تشبیه‌های مختلف برای بیان فریبندگی دنیا و دام‌های آن	
	A38	خطر فریبندگی دنیا به حدی است که می‌تواند فراریان از دنیا را هم به خود جذب کند	
	A39	هیچ‌کس از وسوسه‌های دنیا در امان نیست	
	A40	تشبیه دنیا به اسبی که ناگهان سرکش می‌شود و سوار خود را بر زمین می‌زند	
	A41	تشبیه دنیا به صیادی که در کمینگاه است ناگهان بیرون می‌آید و تیرهای خود را یکی پس از دیگری به سوی انسان پرتاب می‌کند	
	A47	تقلید آیندگان از کارهای گذشتگان و عبرت‌نپذیرفتن از سرنوشت آنها	
	A106	اشاره به غفلت انسان‌ها از آینده خود (پیری و قیامت)	
	A123	قساوت قلب موجب غفلت از فرمان‌ها و دستورات الهی است	
	A124	اشاره به خطر دنیاپرستی که موجب گم کردن راه هدایت است	
	A191	اشاره به ویژگی‌های انسان دنیاطلب	
	A192	پیروی از هوی و هوس انسان را به ناپودی می‌کشاند	
	A193	انسان دنیاطلب تمام سعی و تلاش خود را در به دست آوردن مال و لذت‌های دنیایی به کار می‌گیرد	
	A194	یکی از علل سقوط انسان، عدم توجه به عاقبت کار و نیندیشیدن در این باره است	
A232	بهره‌مندان از مال دنیا بیشتر از دیگران سرگرم لذت می‌شوند و از بیمودن راه خداوند باز می‌مانند		
A238	تأکید بر بی‌توجهی به مال دنیا		
۳	A234	بسته بودن راه فرار از عذاب آتش	حتمی بودن عذاب الهی
	A236	اشاره به حتمی بودن عذاب گناهکاران	
	A237	گلایه از غفلت انسان‌ها و دوست‌دار دنیا بودن آنان	
۲	A195	ترس از خدا انسان را خاشع می‌کند	خوف الهی
	A233	بینایان و شنوایان و اهل عافیت مکلف به انجام وظایف الهی هستند	

همان‌گونه که از جدول فوق برداشت می‌شود، مهم‌ترین مطالب بیان شده در رابطه با توصیف دنیا، مسئله فانی بودن دنیا و فریبندگی آن است که مهم‌ترین خطر پیش روی انسان می‌باشد. این مطلب نشان می‌دهد که چگونه امام علی(ع) تلاش داشته‌اند تا پس از معرفی انسان، وضعیت کنونی او در دنیا را نیز توصیف کنند.

۲-۳. توصیف قیامت

امام علی(ع) در ادامه توصیف وضعیت کنونی انسان در دنیا و چگونگی زندگی انسان در آن، به توصیف سرانجام زندگی انسان یعنی مسئله مرگ و قیامت نیز پرداخته و چگونگی مرگ و حوادث هولناک آن در قبر و چگونگی برپایی قیامت را توضیح می‌دهند. به‌عنوان مثال آن حضرت در قسمتی از خطابه خویش می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا تَصَرَّمَتِ الْأُمُورُ وَ تَفَضَّتِ الدُّهُورُ وَ أَرَفَ النَّشُورُ أَخْرَجَهُمْ مِنْ صَرَاحِ الْقُبُورِ وَ أَوَّكَارِ الطُّيُورِ...»: رشته کارها گسسته گردد و بنای روزگار درهم شکسته، و قیامت نزدیک گردد، آنان را از شکاف گورها، و دل مورها، و لانه پرندگان و پناهگاه درندگان، و از هر مکانی که در آن به خاک هلاکت افتاده‌اند، بیرون می‌آورد. این عبارت بیانگر پایان یافتن دنیا و به وجود آمدن عالم فرامادی و معاد جسمانی است و چگونگی نشور و بعثت انسان‌ها در عالم قیامت و جمع شدن اجزای پراکنده بدن انسان‌ها را توضیح می‌دهد.

امام علی(ع) در ادامه مطالب خطبه، به احاطه خداوند بر همه‌ی بندگان و وضعیت آن‌ها در عالم قیامت پرداخته و حتی چگونگی حسابرسی اعمال انسان‌ها در دنیا را نیز بیان می‌کنند. موضوع دیگری که در این بخش مورد توجه امام علی(ع) واقع شده و بدان اشاره می‌کنند، مسئله رنج و ترس‌هایی است که انسان‌ها از محشور شدن در قیامت داشته و علت اصلی آن را اعمال ناشایستی می‌دانند که آخرت انسان را سیاه و خراب کرده است. به همین دلیل در بخشی از کلام خود می‌فرمایند: «وَ أَعْظَمُ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةٌ نَزَّلُ الْحَمِيمِ وَ تَصَلِيَةُ الْجَحِيمِ وَ فُورَاتُ السَّعِيرِ وَ سَوْرَاتُ الرَّفِيرِ...»؛ بزرگ‌ترین مصیبت در روز قیامت، رنج عذاب آتش است چراکه هیچ سستی و توقف و استراحتی برای عذاب شوندگان وجود ندارد و انسان‌ها عقوبت اعمال ناشایست خود را می‌بینند.

موضوع عبور از پل صراط نیز از دیگر موضوعاتی است که امام علی(ع) در خطبه غراء تلاش می‌کنند انسان‌ها را متوجه آن نموده و حتی توصیه به ترسیدن و بیم داشتن از آن دارند: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَجَازِكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ مَزَالِقِ دَخِيهِ وَ أَهْوَالِ زَلَلِهِ وَ تَارَاتِ أَهْوَالِهِ»؛ و بدانید که گذر شما بر صراط است که جایگاه‌های لغزیدن است، و شایسته است بیم‌های این لغزش را داشتن و پیاپی ترسیدن.

۲-۴. توجه دادن انسان به نعمت‌های الهی

موضوع دیگری که در سرتاسر خطبه غراء البته به‌صورت پراکنده بیان شده، موضوع معرفی نعمت‌های الهی عطا شده به انسان است. این مطلب نشان می‌دهد که امام علی(ع) به‌منظور معرفت بخشی به انسان‌ها برای حرکت در مسیر کمال و نجات تلاش کرده‌اند تا او را با نعمت‌های الهی که همانا فرصت‌های پیش روی انسان برای حرکت در مسیر است، آشنا سازند. به همین منظور امام(ع) در ابتدای این خطبه با بیان عبارت «وَ وَقَّتْ لَكُمْ الْأَجَالَ وَ أَلْبَسَكُمْ الرِّيَاشَ وَ أَرْفَعَكُمْ الْمَعَاشَ وَ أَحَاطَ بِكُمْ الْإِحْصَاءَ وَ أَرْضَدَكُمْ الْجُزَاءَ...» به ذکر نعمت‌هایی مانند: مدت عمر و پنهان بودن پایان آن، نشان دادن راه هدایت به بندگان و برداشتن پرده‌های ظلمت و تاریکی از مقابل آنان، نعمت لباس و معاش، نعمت عقل و قوای سامعه و باصره، نعمت هدایت توسط وحی و انبیاء الهی و ... پرداخته‌اند. آن حضرت(ع) در جایی دیگر

مجدداً به ذکر نعمت‌هایی مانند عقل و گوش و چشم و دیگر اعضا بدن انسان و هماهنگی میان آن‌ها اشاره کرده و تلاش دارند تا انسان را به نعمت‌هایی که خداوند متعال به او عطا کرده، متوجه نموده زمینه شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی را در انسان‌ها ایجاد کنند: «جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعاً لِيَتَعِيَ مَا عَنَاهَا وَ أَبْصَاراً لِيَتَجَلَّوْا عَنْ عَشَاهَا وَ أَشْيَاءَ جَامِعَةً لِأَعْضَائِهَا مُلَاتِمَةً لِأَخْنَائِهَا فِي تَرْكِيْبِ صُوْرَهَا وَ مُدِدَ عُْمُرَهَا»؛ خداوند برای شما گوش‌هایی قرار داد تا آنچه برایتان ارزش و اهمیت دارد، بشنود و در خود نگاه دارد، و چشمانی قرار داد تا از ناپیدایی رها و جدا گردد. عضوها و اندام‌هایی در بدن آفرید که عضوهای دیگر را در خود جا می‌دهد، و با عضوهایی که خم می‌شود (و به چپ و راست می‌گردد مانند دست و پا و اندام‌های دیگر) هماهنگ و مناسب است، که این کیفیت برای به هم آمیختن صورت و شکل هر عضو و مدت عمر و دوام هر یک از اعضا می‌باشد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف حضرت علی(ع) از پرداختن به نعمت‌های الهی و توجه دادن انسان‌ها بدان، اولاً زمینه‌سازی برای ایجاد فضای شکرگزاری و ثانیاً زمینه‌سازی برای بهره‌مندی بیشتر از این نعمت‌ها به مثابه فرصتی پیش روی انسان در مسیر رشد و کمال بوده باشد.

۲-۵. توجه دادن انسان به وسوسه‌های شیطانی

دقیقاً در کنار عباراتی که امام علی(ع) در خطبه غراء تلاش دارند تا انسان‌ها را متوجه نعمت‌های الهی نموده و فرصت‌های پیش روی انسان برای رشد و کمال را معرفی نمایند، شاهد آن هستیم که در بخش‌های دیگر تلاش می‌کنند تا انسان‌ها را متوجه خطرات مسیر پیش روی خود کرده و نسبت به وسوسه‌های شیطانی و دام‌هایی که شیطان در طول زندگی دنیایی برای انسان مهیا نموده است، آگاه کنند. این وسوسه‌ها، تهدیدات مسیر هستند که اگر انسان‌ها نسبت بدان‌ها مراقبت نداشته و احتیاط نکنند، عواقب شومی را به دنبال خواهد داشت.

لذا به‌عنوان نمونه در بخشی از متن خطبه در توصیف وسوسه‌های شیطان آمده است که: «وَ حَذَرْتُكُمْ عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ حَفِيًّا وَ نَفَثَ فِي الْأَذَانِ حِيًّا فَأَضَلَّ وَ أَرْدَى وَ وَعَدَ فَمَتَّى...»؛ و شما را از دشمنی ترساند که پنهانی در سینه‌ها راه گشاید، و رازگویان در گوش‌ها دمد و سخن سراید، تا آدمی را گمراه کند و تباه سازد و وعده دهد و به دام هوشش در اندازد. در این عبارت، امام علی(ع) با اشاره به راه‌های نفوذ شیطان و خطر وسوسه‌های او، انسان را از افتادن در دام‌های او برحذر می‌دارند زیرا شیطان می‌تواند به‌صورت پنهانی در درون انسان نفوذ کند و با وعده‌های دور و دراز، انسان را گرفتار آرزوهای طولانی کند و او را از یاد خدا و آخرت غافل سازد؛ و همچنین گناهان زشت و تنفرآمیز را زیبا جلوه دهد و گناهان مهلک را کم‌اهمیت نشان دهد: «وَ زَيْنَ سَيِّئَاتِ الْجَرَائِمِ وَ هَوْنَ مُؤِيقَاتِ الْعَطَائِمِ»؛ زشتی گناهان را در دیده او بیاراید و گناهان بزرگ را خرد و آسان نماید.

از جمله مطالب مهم دیگری که امام علی(ع) در این خطبه بدان اشاره می‌کنند، بیان این مطلب است که وسوسه‌های شیطان به‌صورت گام به گام و تدریجی بوده تا در انسان مؤثر واقع شود. شیطان ابتدا به انسان نزدیک می‌شود و با زینت دادن به خواسته‌های نفسانی، انسان‌ها را گروگان می‌گیرد و راه توبه و

بازگشت را به روی آن‌ها می‌بندد. در ادامه درجه نهایی وسوسه‌های شیطان این است که نفس اماره را به صورت کامل همراه کرده و در قیامت همه چیز را انکار می‌کند: «أَنْكَرَ مَا زَيَّنَ وَ اسْتَعْظَمَ مَا هَوَّنَ وَ خَدَّرَ مَا آمَنَ»؛ در آن وقت، هرچه را که در نظر او آراسته بود تا وی را بفریبده، انکار می‌کند و چیزهایی را که خوار و آسان شمرده بود، بزرگ و عظیم می‌شمارد و از اموری که او را ایمن ساخته بود، برحذر می‌دارد.

۲-۶. توصیه به تقوا و الگوگیری از متقین

مطالعه محورهای موضوعی مطرح شده در خطبه غراء نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این خطبه، توصیه به تقوا و معرفی ویژگی‌های متقین جهت الگو گرفتن انسان‌هاست. امام علی(ع) شروع و پایان خطابه خویش را به موضوع تقوا اختصاص داده و در میانه خطبه نیز به‌طور تفصیلی اوصاف پرهیزگاران را برشمرده و از آنها به‌عنوان الگویی برای مسیر رشد و کمال انسان یاد می‌کنند. تحلیل کیفی مضامین فرعی مطرح‌شده در این بخش نشان می‌دهد که از منظر امام علی(ع)، مهم‌ترین راهکار و ابزار نجات انسان‌ها برای عبور صحیح و سالم از مسیر دنیا به آخرت و پرهیز از وسوسه‌های شیطانی به‌عنوان تهدیدات مسیر، استفاده از ابزار تقوا و الگوگیری از مسیر متقین است.

امام علی(ع) با بیان عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ وَ افْتَرَفَ فَاَعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ خَادَرَ فَبَادَرَ وَ ابْيَقَنَ فَأَحْسَنَ وَ غَيْرَ فَاَعْتَبَرَ...» به چگونگی آغاز مسیر تقوا و حالاتی که برای انسان به وجود می‌آید پرداخته و از انسان‌ها می‌خواهد تقوا پیشه کرده و از گناهان دوری کنند. توجه به عبرت گرفتن از گذشتگان و مسیر نادرست افراد گنهکار و درعین‌حال توجه به سرانجام نیک پرهیزکاران و عاقبت نیکوی آنها از دیگر موضوعاتی است که در این خطبه بدان اشاره شده است. همچنین امام(ع) با بیان جملات متعددی در این خطبه، اوصاف پرهیزگاران را بیان کرده و آنان را افرادی می‌داند که به‌دنبال راهنما رفته و تلاش می‌کنند تا حقایق را بفهمند و ضمن دوری از گناه، خود را برای آخرت و زندگی جاودان در آنجا آماده می‌کنند. به‌طور کلی امام علی(ع) در این خطبه به چهار ویژگی پرهیزگاران اشاره کرده‌اند:

۲-۶-۱. تلاش در راستای آخرت

مهم‌ترین ویژگی انسان متقی بر اساس خطبه غراء حضرت علی(ع)، تلاش برای آخرت و زندگی ابدی در آنجاست. به همین دلیل امام علی(ع) در این خطبه در معرفی اوصاف پرهیزگاران، شخص متقی را کسی می‌داند که نهایت تلاش خود را برای پیمودن راه حق به‌کار می‌گیرد و از جهل و نادانی و سرگردانی در ظلمات آن گریزان است: «وَ افْتَدَى فَاخْتَدَى وَ اُرِي فَرَأَى فَاَسْرَعَ طَالِباً وَ نَجَا هَارِباً فَاَقَادَ ذَخِيرَةً وَ اَطَابَ سَرِيرَةً وَ عَمَرَ مَعَاداً وَ اسْتَظْهَرَ زَاداً لِيَوْمِ رَحِيلِهِ وَ وَجِهَ سَبِيلَهُ وَ حَالَ حَاجَتِهِ وَ مَوْطِنِ فَاَقْتَبَهُ وَ قَدَّمَ اَمَامَهُ لِدَارِ مُقَامِهِ». امام(ع) بیان می‌فرماید انسان متقی برای پیمودن راه حق نهایت کوشش خود را بکار می‌گیرد و از تاریکی‌های جهل و نادانی گریزان است؛ او از پیامبران الهی تبعیت می‌کند و حقایق را می‌آموزد و هدایت می‌یابد و در همه امور آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهد.

امام(ع) در جمله دیگری می‌فرماید: «وَ بَادَرَ مِنْ وَجَلٍ وَ اَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَ رَغَبَ فِي طَلَبٍ وَ ذَهَبَ عَنْ هَرْبٍ»؛ انسان متقی از فرصت عمر خود بهترین استفاده را می‌کند و به اطاعت خدا می‌پردازد و سعی در

ذخیره کردن توشه برای آخرت خود دارد و خود را به انجام کار نیک وادار می‌کند چراکه از سختی‌های روز قیامت آگاه است و از عذاب الهی خوف دارد.

۲-۶-۲. مراقبه داشتن

دومین ویژگی ذکرشده برای متقین در این خطبه، داشتن مراقبه است. متقین کسانی هستند که در همه‌ی امور از اعمال و رفتار خود جهت خشنودی خداوند مراقبه می‌کنند. در این خطبه امام علی(ع) در جمله «و رَاقِبٌ فِي يَوْمِهِ عَدَهُ وَ نَظَرَ قُدَمَا أَمَامَهُ فَكَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَاباً وَ نَوَالاً» بیان می‌دارد که یکی از نشانه‌های پرهیزگاری داشتن مراقبه است؛ او نگاه آینده‌نگر دارد؛ به همین دلیل انسان پرهیزگار همیشه از اعمال خود در دنیا مراقبت می‌کند. همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند: «وَ ظَلَفَ الرَّهْدُ شَهَوَاتِهِ وَ أَوْجَفَ الذِّكْرُ بِلِسَانِهِ وَ قَدَّمَ الْحَوْفَ لِأَمَانِهِ»؛ انسان پرهیزگار همیشه یاد خدا را بر زبان دارد و دائم ذکر خدا را می‌گوید. در واقع متقین کنترل زبان دارند و هرچیز را بر زبان نمی‌آورند، بلکه آنان فقط هر آنچه که یاد خداوند را در دل‌های آنان زنده کند بازگو می‌کنند و با زهد و پارسایی مانع شهوات می‌شوند و امور دنیایی را کنار می‌گذارند. همچنین زهد باعث می‌شود انسان بهترین مسیر را که صراط مستقیم است بییابد و الگوی خود را پیامبران و ائمه قرار دهد و پیرو راه آنان باشد و از عوامل فریبنده دنیایی که سبب انحراف می‌شود دوری کند.

همچنین امام(ع) در جمله «وَ لَمْ تَفْتَلُهُ فَاتِلَاتُ الْغُرُورِ وَ لَمْ نَعَمْ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ» بیان می‌کنند: خوشی‌های دنیا باعث غفلت و غرور انسان پرهیزگار از خداوند نمی‌شود و او همواره از غرور دوری می‌کند؛ زیرا غرور عامل انحراف و سقوط انسان است. انسان پرهیزگار در دام شبهه نمی‌افتد و گمراه نمی‌شود زیرا دل‌های آنان هدایت یافته و به نور معرفت الهی آمیخته گردیده است. امام(ع) در این جمله فرموده‌اند: کسی را الگوی تقوایی خود قرار دهید که جاذبه‌های فریب‌دهنده او را از حرکت در راه مستقیم خدا برنگرداند و او را از حق منصرف نکند. آن‌هایی که بی‌اعتنا به دنیا هستند و نسبت به دنیا زهد می‌ورزند؛ و آن‌هایی که به دنیا و متاع آن به‌عنوان وسیله نگاه می‌کنند، فریب زروزیور دنیا را نمی‌خورند و از راه مستقیم الهی بیرون نمی‌روند (منتظری، ۱۳۸۸: ۳/۳۱۷). این افراد کسانی هستند که گفتار و کردار آنان بر پایه دلایل و حجت‌های خداوند استوار است و برای همین در دام شبهات نمی‌افتد (مغنیه، ۱۳۸۷: ۲/۱۷۵).

۲-۶-۳. تفکر و تعقل داشتن

سومین ویژگی ذکر شده برای متقین در این خطبه، تفکر است. تفکر سبب عبادت و شب‌زنده‌داری می‌شود چراکه انسان پرهیزگار از بیم خداوند به سمت او متمایل، و در پی اجرای اوامر خداوند است و چون به آخرت و سختی‌های آن می‌اندیشد به عبادت خداوند روی می‌آورد و بیشتر از فرصت‌ها جهت تقرب به خداوند استفاده می‌کند. همچنین با توجه به جمله «قَدْ عَبَّرَ مَعْبَرِ الْعَاجِلَةِ حَمِيداً وَ قَدَّمَ زَادَ الْأَجَلَةِ سَعِيداً» انسان پرهیزگار از گذرگاه‌های دنیای زودگذر با روشی پسندیده عبور کرده و برای گذر از این جهان بهترین راه را انتخاب می‌کند و پاک و آراسته از این دنیا بیرون رفته و راضی و خشنود به آخرت پای می‌گذارد؛ چرا که اعمال نیک را پیشاپیش برای چنین روزی فرستاده است.

امام (ع) با بیان جمله «وَتَنَكَّبِ الْمَخَالِجَ عَنْ وَضْحِ السَّبِيلِ وَ سَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ إِلَى النَّهْجِ الْمَطْلُوبِ» انسان را متوجه این امر می‌کند که تقوا به همراه تفکر سبب می‌شود انسان جز در صراط مستقیم حرکت نکند و از عوامل گمراه‌کننده که باعث لغزش انسان و موجب دوری از پیمودن راه سعادت، و سرگرم شدن به امور پست دنیایی است، دوری می‌نماید. انسان متقی همواره به توشه‌ی خود برای آخرت می‌اندیشد و تلاش خود را جهت رسیدن به منزلگاه ابدی خویش به کار می‌گیرد و از کارهایی که سبب هلاکت انسان می‌شود اجتناب می‌کند. شخص وارسته و پارسا بهترین راه را برای رسیدن به مقصد می‌پیماید. بدین توضیح که زاهد در پیمودن راه روشن و مسیری که او را از میان خلق به سوی خالق هدایت کند، بهترین راه را که صراط مستقیم است، انتخاب می‌کند؛ البته مردم در پیمودن راه خدا روش‌های مختلفی دارند، ولی دلپسندترین راه آن است که انسان را به سرعت به خدا برساند (بحرانی، ۱۳۷۵: ۵۴۷/۲).

۲-۶-۴. خوف الهی داشتن

چهارمین ویژگی بیان شده برای متقین در خطبه غراء، خوف الهی داشتن است. امام علی (ع) در جمله «وَأَنْصَبَ الْحَوْفُ بَدَنَهُ وَ أَسْهَرَ التَّهْجُدُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَ أَطَمَّ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ» به انسان می‌فهماند که خوف از خدا باید سبب حرکت و رشد انسان گردد به طوری که هر لحظه انسان در پی انجام اوامر الهی باشد و به انجام کار خیر و رفع مشکلات افراد بپردازد. انسان پرهیزگار از عذاب الهی ترسان است که این ویژگی مانع انحراف انسان می‌شود. در واقع ترس از خدا باعث در امان ماندن از عذاب الهی می‌شود؛ زیرا انسان پرهیزگار از ارتکاب گناه خودداری می‌کند و به سمت آن نمی‌رود و به همین دلیل در آخرت در امان است. مقصود از خوف و ترسی که امام (ع) فرموده، خوف از خدا، خوف از عذاب خدا، خوف از حساب و کتاب روز قیامت، و خوف از لغزشگاه‌های پل صراط است. انسان پرهیزگار همیشه می‌ترسد و طبیعی است که چنین فردی هیچ‌وقت آرام و قرار ندارد و گوشت‌های بدنش از خوف خدا ذوب می‌شود؛ درست برخلاف کسی که نسبت به آخرت بی‌خیال است؛ چنین فردی هرچند هم تقویت نکند، فریه و چاق می‌شود؛ ولی متقی خائف از ترس قیامت، بدنش لاغر و رنجور می‌شود. صفت دیگر انسانی که الگوی تقواست، این است که علاقه به عبادت در شب، خواب را از او گرفته و شب‌ها نیز بیداری می‌کشد و به عبادت خدا مشغول است (منتظری، ۱۳۸۸: ۳۱۴/۳). ترس از خدا موجب شده، در راه خشنودیش تلاش کند و بدن خویش را به سختی اندازد تا از خشم و عذاب خداوند در امان ماند. شب‌های فراوان را به عبادت بیدار مانده است؛ در عین حال مشتاق به خدمت کردن به مردم و انجام کارهای عام‌المنفعه به‌عنوان بهترین نوع عبادت است (مغنیه، ۱۳۸۷: ۱۷۴/۲).

بنابراین در این مقوله، امام (ع) به ثمراتی که خوف از خدا برای انسان دارد اشاره می‌کنند. این ثمرات شامل ترس از عذاب الهی و در امان بودن از آن است که سبب حرکت و رشد انسان به سوی کمال می‌شود. امام (ع) در این خطبه خوف الهی را مانع اصلی در برابر انحراف انسان می‌داند؛ چراکه انسان از پروردگار خویش حساب می‌برد و او را حاضر و ناظر می‌یابد و از رفتن به گلوگاه‌های خطا و اشتباه مصون می‌ماند.

۳. ساختار هندسی و غرض اصلی خطبه غراء

همان‌گونه که در بخش طرح مسئله بیان شد، مسئله اصلی این تحقیق تلاش برای کشف موضوع اصلی خطبه غراء و تبیین غرض امام علی(ع) از بیان این کلمات نورانی و فصیح بوده است. ضرورت انجام این تحقیق نیز وجود ابهام در کشف موضوع اصلی این خطبه در کلام شارحان نهج‌البلاغه بوده است به‌گونه‌ای که هرکدام از شارحان و عالمان دینی در شرح و توضیح این خطبه از منظر خود موضوعی را به‌عنوان هدف اصلی کلام بیان کرده و سپس بر اساس آن، به شرح و توضیح خطبه پرداخته‌اند.

در این مقاله تلاش شد پس از تحلیل محتوای کل عبارات خطبه و استخراج موضوعات اصلی و فرعی، به‌واسطه تحلیل‌های کیفی، مقوله‌های کلی طبقه‌بندی‌شده در متن شناسایی شوند. یافته‌های تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد که در خطبه غراء با ۶ مقوله کلی مواجه هستیم که توضیح مفصل آنها پیش از این گذشت. بررسی دقیق و عمیق این مقوله‌ها نشان می‌دهد که ارتباط تنگاتنگی میان این مقوله‌ها برقرار بوده و همه آنها در راستای یک هدف کلی در سرتاسر خطبه تنظیم شده‌اند که عبارت است از ترسیم نقشه راه حرکت انسان. چنانچه در ابتدای بخش تحلیل مقوله‌ای خطبه توضیح داده شد، به اعتقاد مؤلفین و بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای مقوله‌ای خطبه غراء، امام علی(ع) در این خطبه تلاش کرده‌اند تا نقشه دقیق مسیر رشد و تکامل انسان‌ها را تبیین نموده و وضعیت کنونی و آینده و همچنین مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف او را به‌عنوان فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو به همراه معرفی مهم‌ترین ابزار و راهکار نجات و سعادت انسان، معرفی نمایند.

این تحلیل می‌تواند بیانگر ساختار هندسی خطبه از لحاظ مقوله‌های محتوایی نیز باشد که هم تبیین‌کننده غرض اصلی امام(ع) از بیان خطبه بوده و هم رابطه میان موضوعات اصلی پراکنده و مقوله‌های مختلف متن را نشان می‌دهد. نمودار ذیل ترسیم‌کننده این نقشه مسیر و مراحل و گام‌های آن است:



نمودار ۲: ساختار هندسی و غرض اصلی خطبه غراء

همان‌طور که مشاهده می‌شود نمودار فوق ساختاری از کل مقوله‌های مطرح‌شده در این خطبه را نشان می‌دهد که بیانگر هدف و غرض اصلی خطبه نیز می‌باشد. براساس این نمودار می‌توان چنین نتیجه گرفت که هدف امام علی(ع) از بیان چنین خطبه غراء و فصیحی برای مردم، معرفی راه نجات و سعادت انسان‌ها بوده است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا و تکنیک تحلیل مقوله‌ای به بررسی خطبه غراء پرداخته است. این خطبه مشتمل بر ۹ موضوع اصلی شامل توصیف انسان و سرگذشت او، نکوهش دل‌بستگی به دنیا، توصیه به تقوا، بیان اوصاف پرهیزگاران، توصیف حوادث بعد از مرگ، توجه به نعمت‌های الهی، توصیف قیامت، بیان وسوسه‌های شیطان و دام‌های او، و حمد و ثنای الهی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقطه تمرکز و موضوع اصلی خطبه، تقوا است، ولیکن دلیل آمدن موضوعات پراکنده دیگر، تلاش امام برای ترسیم الگوی راه نجات و سعادت انسان بوده است. این الگو، تبیین‌کننده غرض اصلی امام از ایراد خطبه و نیز تبیین‌کننده علت پراکندگی موضوعات مختلف در آن است.

حضرت علی(ع) راه و الگوی نجات انسان‌ها را در چهار گام اساسی در خطبه غراء تبیین نموده‌اند که

شرح آن بدین صورت است:

- (۱) ایجاد خودآگاهی در انسان در سه مرحله: الف) متوجه کردن انسان نسبت به خودش، ب) توجه به استعدادها و قابلیت‌های انسان، ج) توجه به نقص‌ها و کمبودهای انسان در مسیر رشد و تکامل.
- (۲) معرفی مسیر حرکت انسان در دو مرحله: الف) تشریح وضعیت کنونی زندگی دنیایی و مشکلات و مصائب و فانی بودن آن، ب) تشریح وضعیت آینده و زندگی اخروی و قیامت انسان.
- (۳) معرفی فرصت‌ها و تهدیدهای مسیر حرکت انسان در دو مرحله: الف) معرفی نعمت‌های الهی به‌مثابه بهترین فرصت در مسیر رشد و تکامل انسان و توصیه به بهره‌برداری از این نعمت‌ها، ب) معرفی وسوسه‌های شیطانی به‌مثابه خطرناک‌ترین تهدید مسیر حرکت انسان و تحذیر از دام‌های شیطان.
- (۴) معرفی تنها راه نجات انسان در چهار مرحله: الف) توصیه‌های مکرر به تقوا به‌مثابه تنها راه نجات و سعادت و به کمال رسیدن انسان، ب) معرفی متقین به‌عنوان مناسب‌ترین الگو جهت اقتدای انسان، ج) ترسیم مراحل کسب تقوا، د) تشریح ثمرات و فواید تقوا برای تشویق و تحریک انسان جهت تحمل سختی‌های مسیر. از منظر امیرالمؤمنین(ع)، مراحل کسب تقوا نیز عبارت است از: تلاش برای آخرت، مراقبه، تفکر و تعقل، خوف الهی.

بر این اساس باید گفت که خطبه غراء درواقع امر، بیانگر راه و مسیر نجات و سعادت انسان‌ها می‌باشد

و لذا بهترین عنوانی که می‌توان برای این خطبه پیشنهاد کرد، خطبه «سعادت» یا «نجات» است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. (۱۳۹۴ش). حلیة الاولیا و طبقات الاصفیاء. قاهره: دار ام القری.
- انصاری، محمد علی. (۱۳۹۴ش). نوّس و نیش دنیا در نهج البلاغه. مشهد: بیان هدایت نور
- بحرانی، علی بن میثم. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر کتاب.
- جانی پور، محمد. (۱۳۹۰). «جایگاه نماز در اندیشه امام رضا(ع)». دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال ۵، شماره ۱، ۱۸۷-۲۱۱.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۸۸ش). شرح نهج البلاغه. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه.
- حسینی خطیب، سید عبد الزهراء. (۱۴۰۹ق). مصادر نهج البلاغه و اسانیده. بیروت: دارالزهراء.
- سحر ناجی، فاضل. (۲۰۱۹م). «الخطبة الغراء (العجیبه) للامام علی بن ابی طالب(ع) دراسة دلالية». مجلة آداب الکوفة، مجلد ۴۰، شماره ۱، ۶۵۷-۶۹۰.
- سید رضی. (۱۴۱۲ق). نهج البلاغه، تهران: انتشارات حکمت.
- عترت دوست، محمد. (۱۳۹۸ش). «روش شناسی فهم حدیث در فرآیند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان». فصلنامه حدیث پژوهی، سال ۱۱، شماره ۲۱، ۲۹۱-۳۳۰.
- عترت دوست، محمد؛ صفره، حسین. (۱۳۹۹ش). «تحلیل محتوای اشعار رضوی»، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال ۸، شماره ۳۱، ۵۵-۹۸.
- کیانی، فاطمه. (۱۳۹۹ش). تحلیل محتوای خطبه غراء، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء(س).
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۸ق). شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الأنوار. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي. مؤسسة الطبع و النشر.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۳۸۷ش). فی ظلال نهج البلاغه. بیروت: دار العلم للملایین.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵ش). پیام امام امیرالمومنین. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسین علی. (۱۳۸۳ش). درس های از نهج البلاغه. تهران: انتشارات سرابی.
- موسوی، عباس علی. (۱۴۱۸ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دار الرسول الاکرم.
- Holloway, I., & Freshwater, D. (2007). *Narrative Research in Nursing*. John Wiley & Sons.
- Murray, G. (2009). "Narrative Inquiry" In J. Heigham & R. A. Croker (Eds.), *Qualitative research in applied linguistics: A practical introduction*. Palgrave Macmillan.
- Zaplatsinska, M. (2015). "A narrative study of the experiences of providing culturally competent care by frontline staff caring for older Ukrainian immigrants in a mono-culture long-term care facility", *Master of Nursing Thesis*, Ryerson University, Toronto, Ontario, Canada, Retrieved from <https://digital.library.ryerson.ca/islandora/object/RULA%3A4186>.